

■ صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه:
سیدمجتبی صادقی
■ معاونان سردبیر:
شهرام فرهنگی، علی عمادی
شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهور

■ سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
■ شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
■ اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
■ تماشگر:
■ مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

■ سرزمین من:
■ مدیر: سیده زهرا عباسی
■ تندستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
■ سرخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
■ دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی

■ جامعه:
■ مدیر: شهیده طباطبایی
■ گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
■ ۳۴ (سینما و توریون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
■ صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
■ طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

سوزۀ روز

تهران من، تهران ترشد



سیدمروش طباطبایی بور

حدود یک سال پیش همراه با یکی از دوستان جانی، به کافه‌رستورانی در خیابان گیشا رفتیم که البته بسیار خوش گذشت؛ دکوری عالی، غذایی دلچسب، پذیرایی در خورا خلاصه خاطره خوش آن روز، آنچنان در ذهنم ماند که تصمیم گرفتم هر وقت بخواهم حال کسی را خوب کنم، او را به آن کافه‌رستوران دعوت کنم. از قضا روز موعود فرا رسید و دختر بهتر از جانم، آخرین آزمون سال‌های دبیرستان را پشت‌سر گذاشت و تصمیم گرفتم برای تغییر حال و هوایش، او را به این کافه‌رستوران باشکوه ببرم. در مسیر رفتن، اتفاقی پیش آمد که مجبور شدیم قرارمان را به روزهای آینده موکول کنیم و آنچه نباید بشود، شد! فردای آن روز، یعنی جمعه ۲۳ خرداد موشک‌های درّخیم، بر سرزمین من بارید و دشتنه ظلم، تن ایرانم را خراشید. یادم نیست در چندمین روز این جنگ ظالمانه بود که ساختمان کافه‌رستوران هم هدف قرار گرفت و تعدادی از عزیزانمان در خون خود غلتیدند. در تصاویر روزهای بعد دیدم که کافه‌رستوران محبوب من هم خراب شده، اما بالای آن، پرچمی سه رنگ به وسعت ایران گسترده شده بود. البته که تماشای این خرابی‌ها غم‌انگیز است، اما مرا به یاد آن ۱۲ روز تهران می‌اندازد که تهران من، تهران تر شد! مردی در صف بنزین، راننده جلویی خود را به یک پاک‌بنزین مهمان کرد، چون او کارت بنزین نداشت، نانواپی، نان‌هایش را حراج کرد، چون می‌خواست بچه‌محل‌هایش در شب‌های موشک‌باران غم‌ناک نداشته باشند و هزار هزار فداکاری دیگر که همه دیدیم. حالا قرار است برای تقویت حبس وطن‌دوستی دخترم، او را به تماشای با‌بهت‌ترین کافه‌رستوران جهان ببرم که با اینکه ساختمانش آسیب دیده، اما از دین پرچم باشکوه وطنش، به خودش افتخار کند.



دیروزنامه

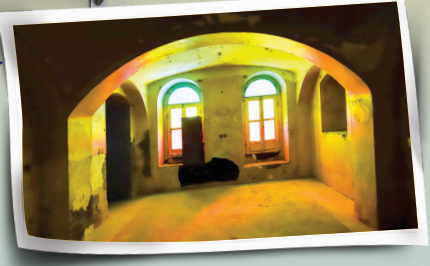
حوزه سلامت را در پاییم



حوزه سلامت در همه کشورها، حوزه بسیار حساس و البته مورد توجهی است و بسیاری آن را یکی از مؤلفه‌های رشد و توسعه هر کشور می‌دانند و سرمایه‌گذاری در این حوزه، منجر به ارتقای کیفیت زندگی افراد خواهد شد. خبری قابل توجه در روزنامه همشهری ۳۰ سال پیش در چنین روزی، مطلبی امیدوارکننده در حوزه سلامت بود. مهندس نصرالله طاهباز، مدیرعامل شرکت خانه‌سازی آن روزهای سازمان تأمین اجتماعی گفته بود تا پایان سال ۱۳۷۴، ۳۷ بیمارستان به بهره‌برداری می‌رسد و ۲۰ بیمارستان نیز مراحل تجهیز را پشت سر می‌گذارد. البته او به موضوع دیگری هم اشاره کرده که هنوز محقق نشده. او در روزنامه ۳۰ سال پیش گفته امیدوار است نظام سلامت از لحاظ ارائه خدمات درمانی تا ۲۰ یا ۳۰ سال آینده به‌خودکفایی برسد که متأسفانه این موضوع با وجود تلاش‌های سازمان تأمین اجتماعی و وزارت بهداشت، همچنان محقق نشده. بد نیست بدانید بیمارستانی مثل بیمارستان میلاد تهران که یکی از بزرگ‌ترین بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی است، در سال ۱۳۸۰ افتتاح شد و پیش‌بینی می‌شود تعداد تخت‌های بیمارستانی فعال کشور تا آخر امسال به حدود ۲۰۰ هزار تخت برسد که باز نسبت به ایده‌آل حوزه سلامت، راه زیادی در پیش است.

۱ خشت‌ها

یکی از رازهای خنکای فصل تابستان در میان ایرانیان، استفاده از مصالح ساختمانی مناسب در مناطق گرم و خشک بود. آنها معمولاً برای ساخت خانه‌های یک یا دو طبقه از خشت استفاده می‌کردند. ترکیب خاک رس، کاه، گاهی سنگریزه و البته نور خورشید که این ترکیب را خشک و آماده می‌کرد، عایقی بود در برابر حرارت و صدا که در تابستان اجازه نمی‌داد هوای خنک داخل اتاق‌ها خارج و هوای گرم، وارد اتاق‌ها شود.



۳ خوردنی‌های خنک

نوشیدنی‌های خنک با طبع سرد نیز از دیگر راه‌های فرار از گرمای تابستان بود. ترکیب‌هایی مثل آب و خاکشیر یا عسل یا شکر، شربت آبلیمو، تخم‌شربتی، آب‌الو و دیگر عرقیات با طعم مطبوع، راه‌حلی برای مقابله با گرمای تابستان بود. دسرهایی مثل فالوده شیرازی هم ابداع ایرانیان برای فرار از گرما بود. رشته‌های نشاسته‌ای و باریک همراه با شربت و گلاب و گاهی بستنی، ترکیبی بدیع و خنک‌کننده به‌وجود می‌آورد که تابستان را به بهاری دل‌انگیز بدل می‌کرد.



۵ قنات‌ها، حوض‌ها و فواره‌ها

قنات با کاریز هم ابداع ایرانیان بود؛ راهی برای دسترسی به آب در مناطق خشک و کم‌آب که به تپه‌های هوا هم کمک می‌کرد. در این سیستم مدرن، هوای گرم از روی آب‌های قنات‌ها عبور و به خنک‌کردن فضاها می‌کمک می‌کرد. اینکه در مرکز خانه‌های قدیمی، حوض‌ها و فواره‌ها قرار داشتند نیز تنها برای زیبایی نبود؛ فواره‌ها آب خنک را در فضا پخش و خنکای هوای حیاط‌های خانه‌های قدیمی را دوجندان می‌کردند.

ترفندهای قدیمی برای مبارزه با گرما

از معماری تا خوراکی، ایرانی‌ها از دیرباز ترفندهای مخصوصی برای مقابله با گرمای طاقت‌فرسای تابستان داشته‌اند

اگر در همین فصل تابستان گذر تان به طیس در استان خراسان جنوبی بيفتد، دمای ۵۰ درجه سانتی‌گراد بالای صفر را تجربه کنيد و اگر چـون باد و در همین لحظه به هزار گریان کر دستان سفر کنيد، با حداقل دمای ۵۰ درجه سانتی‌گراد بالای صفر مواجه شويد، یعنی حدود ۴۵ درجه اختلاف دما! البته در طول تاریخ کهن این سرزمین، ایران از شر گرمای جانکاه تابستان نجات می‌دادند و برای حل این مشکل داغ چه راه‌حل سردی می‌اندیشیدند؟

اگر در همین فصل تابستان گذر تان به طیس در استان خراسان جنوبی بيفتد، دمای ۵۰ درجه سانتی‌گراد بالای صفر را تجربه کنيد و اگر چـون باد و در همین لحظه به هزار گریان کر دستان سفر کنيد، با حداقل دمای ۵۰ درجه سانتی‌گراد بالای صفر مواجه شويد، یعنی حدود ۴۵ درجه اختلاف دما! البته در طول تاریخ کهن این سرزمین، ایران از شر گرمای جانکاه تابستان نجات می‌دادند و برای حل این مشکل داغ چه راه‌حل سردی می‌اندیشیدند؟

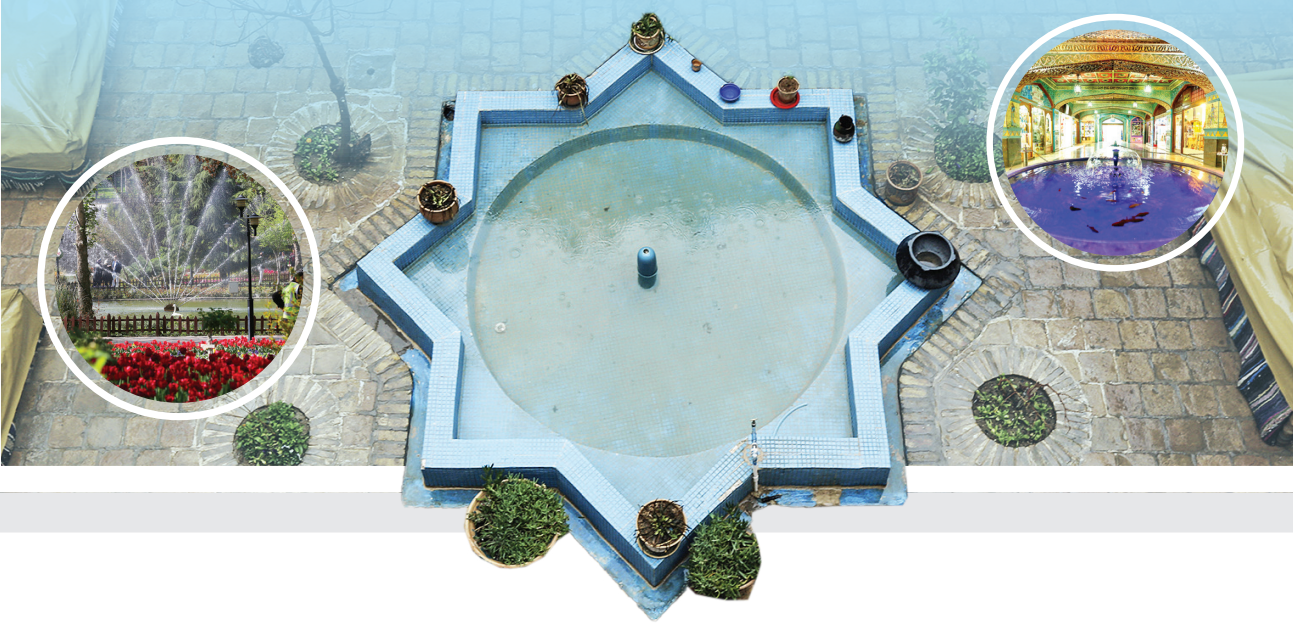
۲ پنجره‌ها و رنگ‌ها

ایرانیان قصه پنجره‌های کوچک و بازی با رنگ‌ها را هم خوب می‌دانستند: پنجره‌های کوچک چوبی که خود عایق حرارت بودند، همراه با شیشه‌های رنگی که مانع ورود نور مستقیم خورشید به داخل خانه و تهویه داخل اتاق می‌شدند، رنگ خشت هم روشن بود و نور و گرمای خورشید را کمتر جذب می‌کرد. ایرانیان همچنین در تابستان از لباس‌هایی با رنگ‌های روشن استفاده می‌کردند تا کمتر نور خورشید را جذب کنند.



۴ بادگیرهایی روبه آسمان

بادگیر سازه‌ای بلند و دودکش‌مانند است که حتی در این روزها هم می‌توان آن را بر فراز خانه‌هایی در یزد و اصفهان و حتی تهران دید؛ سازه‌ای که نخستین راز سازگاری تمدن باستانی ایران با طبیعت خشک و بیابانی این سرزمین است. در ساده‌ترین شکل می‌توان گفت که بادگیرها نسیم خنک و ملایم روی بام خانه‌ها را از طریق همان سازه دودکش‌شکل به داخل خانه و انبارهای زیرزمینی هدایت می‌کردند تا اهالی خانه و غذاهايشان از شر گرما در امان بمانند و گاهی اختلاف دمای تا ۱۰ درجه ایجاد می‌کردند. عمر بادگیرها در ایران البته به‌طور دقیق مشخص نیست؛ اما نام بادگیر را می‌توان در نوشته‌های ناصر خسرو قبادیانی که حدود هزار سال پیش نوشته شده پیدا کرد. هنوز مشخص نیست که ساخت نخستین بادگیرها خلافت مردمان کدام سرزمین است. مثلاً برخی بر این باورند که حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، نوک سازه‌ها و اقامتگاه‌های مثلثی فرانعه در مصر باستان، کار همین بادگیرها را می‌کرده؛ اما برخی باستان‌شناسان هم می‌گویند در ویرانه‌های یک آتشکده ایرانی که مربوط به ۴ هزار سال پیش از میلاد مسیح است، نخستین سازه‌های دودکش‌مانند با همان بادگیر را دیده‌اند. در ایران، یزد به شهر بادگیرها مشهور است و در سال ۲۰۱۷ میلادی به‌عنوان میراث جهانی یونسکو ثبت جهانی شد.



هشتگ

#ای ایران بخوان



در روزهای گذشته، هشتگ #ای ایران در شبکه‌های اجتماعی به شکل گسترده‌ای ویرال شده و مورد توجه مردم قرار گرفته است. پس از پیام رهبر انقلاب در شب عاشورا درباره خواندن سرود «ای ایران»، کاربران زیادی با انتشار فیلم‌ها، عکس‌ها و نوشته‌های خود این سرود را به‌نماز جدیدی از همدلی و هویت ملی بدل کردند. این موج فراگیر منحصر به فضای مجازی نماند و حالا بیلبوردهایی با هشتگ #ای ایران در نقاط مختلف شهر تهران نصب شده که پیام وحدت و امید را به کوچه‌ها و خیابان‌ها آورده است. بسیاری از شهروندان با گرفتن عکس از این بیلبوردها و انتشار آنها در فضای مجازی، از تأثیر مثبت حضور چنین نمادهایی در محیط شهری و حس غروری که به مردم می‌بخشد، گفته‌اند. امروز سرود «ای ایران» و هشتگ آن نشانه‌ای از همبستگی و روحیه ملی است و جایگاهی میان خطرات جمعی و دغدغه‌های شهر یافته است؛ نقطه‌ای پر معنا میان فضای مجازی و واقعی که یادآور پویایی، امید و وفاداری ایرانیان به سرزمین‌شان در لحظه‌های حساس است.

عکس خانه

گوزن پامنار



در دل کوچه‌های باریک و پر خاطره پامنار، هنوز نشانه‌هایی از خانه‌هایی به جا مانده که اگر چه فرسوده یا حتی تخریب شده‌اند، اما اصالت و هویت‌شان در دیوارهای آجری و پنجره‌های چوبی باقی است. میان این بناهای قدیمی، خانه‌ای ویران شده در محله پامنار وجود دارد که نقش‌های گوزن سرخ روی یکی از دیوارهای آن هنوز بابر جاست و در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفته است.

